

# کارنامه سیاسی سپهبد تیمور بختیار

حمید زیارانی<sup>۱</sup>

رویا خازنی<sup>۲</sup>

## چکیده

حکومت پهلوی دوم، با در اختیار داشتن افرادی چون تیمور بختیار و استفاده از توانمندی‌های آن‌ها در راس مدیریت ارگان‌های امنیتی و اطلاعاتی، سعی در تقویت حکومت خود داشت. این مقاله در تلاش است، با تکیه بر روش تاریخی (تحلیلی-توصیفی)، به بررسی و آشکار سازی نقش و جایگاه تیمور بختیار در راس سازمان قدرتمند ساواک و همکاری وی با سایر عوامل در راستای تحکیم ارکان حکومت بپردازد و اشاره به این‌که روند قدرت‌گیری وی و نفوذ فراوان در ساختار حکومت و تشویش ذهن شاه نسبت به او، سبب عزل وی گردید. **واژگان کلیدی:** تیمور بختیار، محمدرضا شاه، ساواک، فرمانداری نظامی، سیا، موساد.

## *The Political Life of Lieutenant-General Teymour Bakhtiyar*

Hamid Ziyarani\*

Roya Khazeni †

### **Abstract**

*By having some persons such as Teymour Bakhtiyar and using their abilities in high rates of managing administrations of information and security, the government of Pahlavi the second aimed to enhance its power. This paper, according to an analytical-descriptive method, aimed to study and highlight the role and statue of Teymour Bakhtiyar in the head of a powerful and influential organ such the SAVAK and his relations with other factors for strengthening the power of the regime and stating that he was deposed for his enhancing power, increasing influence in governing the country and the pessimism of Shah about him.*

**Keywords:** Teymour Bakhtiyar, Mohammad Reza Shah, SAVAK, military government, SIA, MOSAD.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی / Hamid.ziarani@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) / Khazani213@yahoo.com

۳. MA Candidate of the History of Islamic Iran, Shahid Beheshti University.

۴. MA Candidate of The History Islamic revolution, Imam Khomeini Onternational University, Gazvin.

## مقدمه

در تشکیل و تثبیت حکومت پهلوی دوم که آخرین نظام سلطنتی ایران بودند، عوامل و شخصیت‌های گوناگون خارجی و داخلی، با در نظر گرفتن روابط و مناسبات مخصوص میان آن‌ها، دخیل بودند. علاوه بر این که، تغییر وضعیت نظام بین‌المللی، به نوبه خود اثرگذاری خود را نشان داده بود. گرچه محمدرضا هنگامی که در ۱۳۲۰ عنوان شاهی را دریافت نمود، به سبب جنگ دوم جهانی و اشغال ایران توسط قوای متفقین، مشروعیت و نیز ابهتی را که پدرش به هنگام تاجگذاری یافته بود، نداشت، اما با تاسیس مجلس سنا در سال ۱۳۲۸ و چهار سال بعد در جریان کودتا، شاه تیر نخورده‌ی زخم خورده، به استحکام پایه‌های قدرت پرداخت و از این زمان به بعد، به ظاهر برای حفظ امنیت کشور و در واقع، برای سرکوب و ارباب مردم، سازمانی به نام ساواک در سال ۱۳۳۵ تشکیل شد.

این سازمان که از برنامه‌های دیگر کشورها مانند آمریکا و اسرائیل الگو برداری می‌کرد در راستای تقویت خود و افزایش قدرت شاه بر مردم، از وجود افراد تاثیرگذاری برخوردار بود که از آن جمله، تیمور بختیار<sup>۵</sup> که هر چند در ابتدا از آن چنان پیشینه خانوادگی معتبر و مهمی برخوردار نبود، اما پس از این که در این سازمان شروع به فعالیت نمود و به عنوان اولین رئیس ساواک معرفی شد. وی به تدریج قدرت خود را گسترش داد و زمینه سازی لازم را حتی برای ارتقا به مقام نخست وزیری به وجود آورد. بیشترین شهرت او، شدت در سرکوبی فعالیت احزاب مختلف و همچنین حس شهرت خواهی و جاه طلبی وی بود.

نویسنده در این مقاله، در پی بیان نقش و جایگاه تیمور بختیار در راس سازمانی قدرتمند و کارکرد او در این منصب، در خدمت به حکومت و تقویت قدرت سلطنت و همچنین بررسی دلایل عزل از منظمه قدرت می‌باشد. پرسش دیگری که به دنبال مساله اشاره شده در بالا مطرح می‌شود این است که با توجه به خدمات تیمور بختیار نسبت به پهلوی دوم، علل تیره شدن روابط او با شاه و خارج شدن او از منظمه قدرت چه بود؟

---

۵. در خصوص تیمور بختیار و ایفای نقش او در حکومت پهلوی ر ک: فراهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و امریکا(روابط عمومی وزارت اطلاعات، ۱۳۶۸)؛ حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، چ ۱ (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۵)؛ دولتمردان عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، چ ۱ (تهران: مرکز برسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۵).

فرضیه و پاسخی که نویسنده در پی محک زدن آن است، این که چیزی که موجب تیرگی روابط میان بختیار و شاه شد و سرانجام زمینه قتل او را فراهم نمود، گسترش قدرت بختیار در ساختار حکومت بوده که سبب شد تا شاه از نفوذ روز افزون او احساس نگرانی نموده و همین امر او را از گردونه قدرت خارج کرده است.

## زندگی نامه تیمور بختیار

سپهبد تیمور بختیار، فرزند فتحعلی خان بختیار معروف به سردار معظم بختیاری در سال ۱۲۹۲ ه.ش در جریان جنگ جهانی اول در شهرکرد متولد شد. پدربزرگش لطفعلی خان مفخم، از سران ایل بختیاری بود. از کودکی به آموزش سوارکاری، تیراندازی و جنگ‌های پارتیزانی پرداخت و در این زمینه تحت مراقبت کامل قرار داشت به طوری که در ده سالگی تیرانداز دقیق و سوارکار توانا شد و همزمان در سن ۶ سالگی به تحصیلات در موطن خویش پرداخت.<sup>۶</sup> پس از اخذ گواهینامه ابتدایی، به اصفهان رفته و سیکل اول را در آن شهر به پایان رساند. این زمان با شورش عشایر بختیاری علیه رضاشاه و سرکوب شدید آنان توسط او مصادف بود که در این جریان سردار اسعد بختیاری و فتحعلی خان بختیاری به دستور رضاشاه کشته شدند. تیمور، توسط عمویش ابوالقاسم خان بختیاری همراه با شاپور بختیار به لبنان رفت و در مدرسه لائیک دوره دوم متوسطه را پایان داد و به اخذ دیپلم نائل آمد و زبان فرانسه را نیز به خوبی آموخت. در سال ۱۳۱۲ برای ادامه تحصیل به پاریس رفت و وارد دانشکده سواره نظام سن سیو یا سن سمور<sup>۷</sup> شد و دوره دانشکده را با درجه ممتاز به اتمام رساند.<sup>۸</sup> دوره طولانی اقامت بختیار در لبنان و فرانسه، تغییرات خاصی در افکار و اندیشه‌ها و آرمان‌های او ایجاد شد و وی ضمن زبان دانی، دارای خصیصه جاه طلبی، مال اندوزی و علاقه مند به پیشرفت و ترقی از هر راه و هر قیمت شده بود.<sup>۹</sup>

---

۶. حشمت‌اله سلیمی، شکنجه به روایت شکنجه‌گران ساواک، ج ۳ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸)، ص ۶۷.

7. San siu . San smor

۸. محمود طلوعی، بازیگران عصر پهلوی، ج ۲ (تهران: نشر علمی، ۱۳۷۳)، ص ۲۷۳.

۹. سعید صمدی پور، شکنجه در رژیم شاه، ج ۳ (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶)، ص ۹۴.

پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۱۵، به درجه ستوان دومی سوار نائل آمد و با همان درجه وارد ارتش گردید و در مناطق گوناگون در مرزهای شرقی غربی کشور خدمت می‌کرد. در سال ۱۳۱۷ درجه ستوان یکمی و در سال ۱۳۲۵ درجه سرگردی گرفت و در این سال رئیس نظام وظیفه زنجان شد و به زودی توانست با کمک ذوالفقاری‌ها و جنگ‌های پارتیزانی زنجان را از تصرف دمکرات‌ها خارج سازد و ضربه سختی را بر آن‌ها وارد کند. اقدامات او در این برخورد، مورد توجه مقامات نظامی قرار گرفت؛ نشان و یک سال ارشدیت گرفت و پس از مدتی فرمانده سوار هنگ ماکو گردید. در سال ۱۳۲۷ درجه سرهنگ دومی گرفت و در ۱۳۲۸ وارد دانشگاه جنگ شد و دوره فرماندهی و ستاد را احراز رتبه اول به پایان رساند. در ۱۳۲۹ به درجه سرهنگی نائل شد و به ریاست ستاد گارد منصوب گردید.<sup>۱۰</sup> پس از انحلال لشکر گارد و تبدیل آن به سه تیپ مستقل، فرمانده تیپ سه کوهستانی شد. در اردیبهشت ماه ۱۳۳۲، سرهنگ تیمور بختیار به فرماندهی تیپ مستقل زرهی کرمانشاه رسید.

با ازدواج محمدرضاشاه و ثریا اسفندیاری بختیاری که دختر عمومی تیمور بود، مقام و و رتبه او افزایش یافت. به صورتی که حتی به مهمانی‌های دربار دعوت می‌شد و جایگاه خاصی نزد شاه پیدا کرد.<sup>۱۱</sup> فردوست در *خاطرات خود می‌نویسد*:

تیمور بختیار را اولین بار در خانه‌اش دیدم، محمود ارم با خواهش مرا به خانه او برد، معلوم بود، ارم با بختیار سوابق دوستی بسیار دارد و تیمور از او خواسته که مرا به خانه‌اش ببرد. خانه تیمور در یکی از خیابان‌های فرعی خیابان کاج و در یک ساختمان دو طبقه و بسیار کهنه ساز بود. طبقه دوم که دو اتاق داشت در اجاره تیمور بود و او با یک زن از ایل بختیاری و یک دختر کوچک در آن‌جا زندگی فقیرانه‌ای داشت. در آن موقع وی سرهنگ ۲ سوار و جوانی سی ساله بود... در زمان حوادث آذربایجان مطلع شدم که تیمور بر حسب خوی خود، داوطلبانه به ستون اعزامی آذربایجان پیوسته و در حوالی مراغه داوطلب سرکوب یک پایگاه فرقه دمکرات شده است. جنگ سختی کرده و به کمک ذوالفقاری‌ها با جسارت کامل به

۱۰. طلوعی، ص ۲۷۴.

۱۱. سلیمی، ص ۹۴.

دمکرات ها حمله برده و تعدادی را کشته و بقیه را فراری داده. این تنها نبرد واقعی علیه نیروهای دمکرات بود و به خاطر آن به درجه سرهنگی و اخذ نشان نائل شد.<sup>۱۲</sup>

### فعالیت‌های تیمور بختیار پیش از تاسیس ساواک

در اردیبهشت سال ۱۳۳۲، سرهنگ تیمور بختیار به فرماندهی تیپ مستقل زرهی کرمانشاه منصوب شد. روز ۲۶ مرداد برای ساقط کردن دولت دکتر مصدق، آمادگی خود را اعلام کرد و پس از آرایش جنگی در صحنه، اردو زد و منتظر دستور مرکز ماند.<sup>۱۳</sup> در روز ۲۹ مرداد به درجه سرتیپی رسید و پس از مدتی به تهران احضار و به فرماندهی لشکر ۲ زرهی که تازه تاسیس شده بود، منصوب شد. در دادگاه مصدق که در آبان همان سال برگزار شد، بختیار یکی از اعضای آن بود و حکم محکومیت وی را امضاء کرد. در ۶ دی ۱۳۳۲، با حفظ سمت فرماندهی لشکر ۲ زرهی، به فرمانداری نظامی منصوب گردید.<sup>۱۴</sup> او در منصب جدید، شدت عمل زیادی از خود نشان داد و با کمک افسران رکن دوم ستاد ارتش، اقدام به تعقیب، دستگیری و بازداشت اعضای سازمان افسران حزب توده، جبهه ملی و فدائیان اسلام کرد و تعداد زیادی از آن‌ها را زیر شدیدترین شکنجه‌ها قرار داد.<sup>۱۵</sup> او به پاس خدماتی که در فرماندهی نظامی تهران انجام داده بود یک سال ارشدیت گرفت و در سال ۱۳۳۵ به درجه سرلشکری رسید. کابینه کودتا بیشتر از آن که انگلیسی یا آمریکایی باشد، محصول اتفاق نظر قدرت‌های استعمارگر بود و دو وظیفه اساسی داشت: اول سرکوبی جنبش ملی ضد استعماری و تحکیم موقعیت سیاسی رژیم، دوم حل مسئله نفت که راه‌گشای مسائل اقتصادی ایران پس از کودتا بود.<sup>۱۶</sup>

سپهبد زاهدی شخصا وظیفه اول را رهبری می‌کرد و دکتر علی امینی مسئول حل مسئله نفت بود. در تحقق وظیفه اول، از روز ۲۹ مرداد، فرمانداری نظامی تهران به فرماندهی بختیار و سرتیپ فرهاد دادستان، جو وحشت و اختناق را حاکم کرد. فرمانداری نظامی با همکاری

---

۱۲. حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، چ ۱ (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۱)، ص ۲۷۰.

۱۳. دولتمردان عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، چ ۱ (تهران: مرکز بررسی اسناد وزارت اطلاعات، ۱۳۸۵)، ص ۲۷۴.

۱۴. صمدی پور، ص ۹۵.

۱۵. همان، ص ۹۸.

۱۶. سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، چ ۱ (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۰)، ص ۱۸۰.

رکن دوم ارتش و اداره کل شهربانی، ضمن دستگیری دکتر مصدق به بازداشت شمار زیادی از مقامات دولت ملی، اعضای جبهه ملی، روزنامه نگاران مستقل و اعضای حزب توده دست زد، مطبوعات آزاد توقیف شدند، در تمام شهرهای ایران حکومت نظامی اعلام شد.<sup>۱۷</sup> فرمانداری نظامی، از زمان شکل گیری خود تا تاسیس ساواک به مدت سه سال و نیم با عملیات ویژه به کشف و شناسایی سازمان‌ها و گروه‌های مخالف و دستگیری اعضای آن‌ها پرداخت. در مدت حاکمیت فرمانداری نظامی، سازمان افسران حزب توده و سازمان فدائیان اسلام، کشف و شناسایی شده و اعضا و هواداران آن‌ها تحت تعقیب قرار گرفتند. شدت عمل فرمانداری نظامی در برخورد با مخالفان سیاسی حکومت مورد توجه و تشویق آمریکایی‌ها بود،<sup>۱۸</sup> چرا که هدف آن‌ها از استقرار فرمانداری نظامی، تقویت پایه‌های امنیت دولت کودتا و از بین بردن زمینه‌های مخالفت با حکومت پهلوی بود. پس از کوتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که فرمانداری نظامی، اقدام به تعقیب مخالفان کرد، سازمان افسران حزب توده از جمله سازمان‌هایی بود که بیشترین ضربه را متحمل شد. در بین اعضای آن سازمان، سروان ابوالحسن عباسی، نخستین فردی بود که توسط فرمانداری نظامی دستگیر شد و تحت شدیدترین شکنجه‌ها قرار گرفت. پس از کودتا، فرماندار نظامی تهران، زندان شماره ۲ قصر را در اختیار گرفت و اعضای حزب توده را در آن‌جا زندانی کرد. اداره زندان بر عهده ارتش بود و بختیار بر آن نظارت مستقیم داشت.<sup>۱۹</sup> بختیار به بهانه سرکوب مخالفان که شامل مذهبیون، ملی‌گراها و کمونیست‌ها بود، به هر اقدام خشونت آمیزی دست می‌زد و محمدرضا شاه نیز با فعالیت‌ها و اقدامات او موافق بود. در این دوره هزاران نفر از مخالفان، صرف نظر از ایده‌های سیاسی شان به زندان افتادند و بسیاری از آنان اعدام و یا بدون هیچ گونه اثر و نشانی گم شدند.<sup>۲۰</sup>

سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، افراد وابسته به انگلیس که به دلایل گوناگون از سوی شاه دفع می‌شدند توسط اشرف پهلوی بلافاصله جذب می‌شدند. اشرف پس از این که

۱۷. سازمان مجاهدین خلق، به کوشش جمعی از پژوهش‌گران، ج ۱، ۱۶ (بی‌جا: موسسه مطالعات و پژوهش‌های

سیاسی، ۱۳۸۴)، ص ۱۰۲.

۱۸. همان، ص ۱۱۲.

۱۹. خسرو معتضد، سپهبد تیمور بختیار سایه سنگین شاه، ج ۱ (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۰)، ص ۲.

۲۰. سلیمی، ص ۹۵.

مراتب چاکری و ارادت آنان به اثبات می‌رسید، جهت انتصاب آنان به مشاغل مهم کشوری اقدام می‌کرد و از این طریق راه ترقی آتی آن افراد گشوده می‌شد. جالب این که اکثریت این افراد که مورد حمایت خواهرشاه قرار می‌گرفتند، شدیداً وابسته به انگلیس بودند که از جمله این افراد را می‌توان منوچهر اقبال و امیرعباس هویدا را نام برد.<sup>۲۱</sup> پیروزی در کودتای ۲۸ مرداد و بازگرداندن محمدرضاشاه از رم به ایران، سرآغاز رژیم استبدادی برای اجرای مقاصد سیاسی و اقتصادی ایالات متحده و متحدین غربی او بود و انجام این امر ابتدا به عهده فضل اله زاهدی نخست وزیر منتخب امریکا و انگلیس واگذار گردید.<sup>۲۲</sup> نخستین اقدام زاهدی با استقرار حاکمیت خود، سرکوب نهضت ملی ایران در همه ابعاد بود. دستگاه مخوف فرمانداری نظامی به کار افتاد. هزاران تن از زن و مرد آزادی خواه در تهران و شهرستان ها به زندان افتادند و بسیاری از دستگیر شدگان در سیاه چاله‌های فرمانداری نظامی سرتیپ دادستان و تیمور بختیار شکنجه شدند.<sup>۲۳</sup>

فردوست در *خاطرات خود* می‌گوید: تیمور در زمان مصدق، سرهنگ تمام و فرمانده تیپ زرهی مستقر در کرمانشاه بود. مسلماً با توجه به این که از خانواده خوانین بختیاری بود، انگلیسی‌ها برای او پرونده مستقل تشکیل داده و روحیات او و به ویژه جسارتش در حوادث آذربایجان در این پرونده ثبت بود و لذا برای کودتا او را به آمریکایی‌ها وصل کردند. تیمور با آن خصوصیات تپیی بود که مورد توجه آمریکایی‌ها قرار گرفت و در ۲۸ مرداد خود را به تهران رساند و قوی‌ترین و منظم‌ترین نیروی نظامی در آن لحظه بود.<sup>۲۴</sup>

وی در جای دیگر از *خاطرات خود* اشاره کرده است:

رئیس دسک (MI-6) ایران به من گفت که آمریکایی‌ها قصد داشتند در کودتا یک دیکتاتور نظامی را روی کار بیاورند و ما آن‌ها را منصرف کردیم و نقش محمدرضا و سلطنت او را بر ایشان توضیح دادیم و گفتیم که در ایران هیچ افسری وجود ندارد که مورد قبول همه ارتش باشد. در مورد بختیار صادق است. احتمالاً این کاندید آمریکایی‌ها تیمور بود و مسلماً خود او

۲۱. عبدالکاظم مجتبی زاده، فساد در رژیم پهلوی دوم (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶)، ص ۱۰۲.

۲۲. همان، ص ۱۳.

۲۳. غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران، ج ۱ (تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱)، ص ۷۴.

۲۴. فردوست، ج ۱، ص ۴۱۶.

نیز به این کار شوق و تمایل داشته است. به اعتقاد من، تحلیل انگلیسی‌ها سر تا پا غلط بود، یک افسر جسور و قاطع حتی اگر در عمل کودتا، موفقیت صد در صد هم پیدا نکند به سرعت مورد قبول همه واقع می‌شود مگر خود رضاخان چگونه به قدرت رسید؟... به هر حال انگلیسی‌ها مانع کودتای بختیار شدند و محمدرضا را برای بار دوم به سلطنت رساندند... بختیار مست قدرت شده بود و هر کس را که آمریکا و انگلیس و محمدرضا می‌خواستند از دم تیغ می‌گذراند، توده‌ای‌ها را قلع قمع کرد، فدائیان اسلام را به طرز فجیعی به جوخه اعدام سپرد، پادگان مرکز ۲ زهری را به یک شکنجه‌خانه تمام و کمال تبدیل کرد و به جان دختران و زنان زندانی خرس انداخت... بدین ترتیب بدویت ایلیاتی او در سایه قدرت مطلقه به توحش کامل تبدیل شد.<sup>۲۵</sup>

در اواخر سال ۱۳۳۲ مرد مقتدر تهران پس از شاه بختیار بود. او مرد تصمیم و سازماندهی و به ویژه شجاع بود. او در لشکرکشی علیه دمکرات‌ها، خودی نشان داده بود. علاوه بر این از طریق ملکه ثریا با شاه نسبت سببی داشت. شاه که پس از کودتا به مردانی قابل اعتماد و بی پروا نیاز داشت او را به سمت فرمانداری نظامی برگزید. در سال‌های پس از سقوط مصدق، شاه، تیمور بختیار را مامور سرکوبی مخالفانش کرده بود، در آن دوره هزاران نفر دستگیر شده بودند و در زندان‌های رژیم به سر می‌بردند.

نهیضت مقاومت ملی با توجه به حضور افرادی چون تیمور بختیار و عوامل نفوذی حکومت کودتا و چندین تن از مسئولان و مقامات دولتی، عملاً فاقد قدرت و امکانات لازم برای مبارزه با رژیم بود. از مهم‌ترین حوادث داخلی سال ۱۳۳۴ و همزمان با الحاق ایران به پیمان بغداد، سرکوب فدائیان اسلام است. از جمله اتفاقات مهم در همان روزهای نخست، قتل سیدعبدالحسین واحدی، فرد دوم فدائیان به دست تیمور بختیار بود. در جلسه مواجهه بین بختیار و واحدی سخنان تندی میان طرفین رد و بدل شد که واحدی پاسخ‌های صریح و شجاعانه به بختیار داد. در همان‌جا بختیار از شدت عصبانیت با اسلحه کمری خود ۵ گلوله به واحدی شلیک کرد و او را کشت، در اعلام رسمی رژیم عنوان شد که چون واحدی قصد فرار داشته است توسط ماموران به قتل رسید.<sup>۲۶</sup>

۲۵. همان، ص ۴۱۷.

۲۶. سازمان مجاهدین خلق، ص ۱۲۵.



بار دیگر قانون سیاه (نامی که مخالفان رضا شاه داده بودند که فعالیت همه احزاب هوادار ایدئولوژی سوسیالیستی را ممنوع کرد) به اجرا گذاشته شده بود و هر حزبی می‌توانست قربانی آن باشد. حزب ایران در سال ۱۳۳۶ ه. ش با استناد به همین قانون و به این بهانه که ۱۰ سال بیشتر با حزب توده اتحادیه ای تشکیل داده است غیر قانونی اعلام شد. بختیار در همان حال که در پی شکار لیبرال‌ها بود، قسمت دوم برنامه‌اش را که علیه حزب توده طراحی شده بود را اجرا می‌کرد.<sup>۲۷</sup>

### تاسیس ساواک

مملکت ایران در سال‌های حکومت رضاشاه و تا میانه دهه ۱۳۳۰، فاقد سیستم اطلاعاتی و امنیتی فراگیر بود.<sup>۲۸</sup> سیستم امنیت کشور عملاً به دو بخش کما بیش مستقل و متمایز از هم تقسیم می‌شد: یکی در ارتش و دیگری در شهربانی. امور مربوط به اطلاعات و ضد اطلاعات بر عهده رکن دوم ارتش بود که مرکزیت آن در ستاد ارتش مستقر بود و شعبات آن در واحدهای زیر مجموعه ارتش فعالیت می‌کردند. با وجود این، در ارتش تنها به گردآوری اطلاعات که شامل اخبار و اطلاعات نیروهای نظامی بود پرداخته می‌شد و کار ضد اطلاعات عملاً انجام نمی‌گرفت. در شهربانی نیز نیروی پلیس آگاهی، وظیفه کنترل اوضاع سیاسی کشور را عهده‌دار بود و فعالیت احزاب، سندیکاها، کارگری، مطبوعات و فعالان سیاسی کشور را زیر نظر داشت. کوتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به عنوان یکی از سرفصل‌های مهم تاریخ معاصر ایران، تأثیرات زیادی در اوضاع سیاسی و امنیتی مملکت بر جای گذاشت که از جمله می‌توان به ارائه تعریف جدیدی از امنیت، اطلاعات و ضد اطلاعات اشاره کرد.<sup>۲۹</sup>

پس از کودتای ۲۸ مرداد و برقراری فرمانداری نظامی، هنگامی که اوضاع کمی سر و سامان یافت و دولت توانست بر اوضاع مسلط شود، شاه تصمیم گرفت با تشکیل ساواک اقدامات اطلاعاتی و امنیتی را در تشکیلات خاصی قرار دهد و با تصویب مجلس در واقع به این اقدام جنبه قانونی بدهد. قانون تشکیل سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در اسفند

---

۲۷. کریستین دلانو، ساواک، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، ج ۱ (تهران: هما، ۱۳۷۱)، ص ۵۷.

۲۸. فردوست، ج ۱، ص ۳۸۲.

۲۹. دلانو، ص ۸۳.

۱۳۳۵ به تصویب مجلس شورای ملی و سنا و سپس به امضای شاه رسید. بر اساس ماده اول قانون مذکور، ساواک برای حفاظت از امنیت کشور و جلوگیری از هرگونه توطئه که به زیان مصالح عمومی کشور باشد تشکیل شده بود. سازمان مذکور از نظر تشکیلاتی وابسته به نخست وزیری بود و رئیس آن سمت معاونت نخست وزیر را داشت و به فرمان شاه منصوب می‌شد.<sup>۳۰</sup> در فروردین ۱۳۳۶ با انحلال فرمانداری نظامی، ساواک به عنوان دستگاه امنیتی کشور رسماً فعالیت خود را آغاز کرد. به واقع می‌توان گفت ساواک از درون فرمانداری نظامی بیرون آمده بود. به همان شکل که آمریکایی‌ها در ایجاد فرمانداری نظامی نقش اساسی داشتند، ساواک نیز توسط مستشاران آمریکایی تأسیس شد و تیمور بختیار که تا آن زمان ریاست فرمانداری نظامی را برعهده داشت و محبوبیت زیادی نزد مستشاران آمریکایی شاغل در اداره دوم ارتش به دست آورده بود، با نظر آمریکایی‌ها به ریاست ساواک منصوب شد.<sup>۳۱</sup> همراه وی، تعدادی از افسرانی که در فرمانداری نظامی خدمت می‌کردند، وارد تشکیلات ساواک شدند. ساواک در دوره ریاست بختیار، که از زمان تأسیس تا پایان سال ۱۳۳۹ را در بر می‌گیرد، تشکیلات بسیار ساده‌ای داشت و تعداد پرسنل آن از ۱۵۰ نفر بیشتر نبود. ساواک در این دوره، فاقد انسجام بود و بختیار و علوی‌کیا معاون اداری وی و برادران امجدی برآن تسلط داشتند و مستشاران آمریکایی مشیر و مشاور بختیار بودند. اگر چه در دوره ریاست بختیار نیز نشانه‌هایی از روحیه استقلال در شخص رئیس ساواک و برخی پرسنل آن دیده می‌شود، اما به دلیل کم‌تجربگی و فقدان انسجام سازمانی، نفوذ ساواک تا آن اندازه گسترش نیافته بود که همه سازمان‌های دولتی را تحت نظارت خود قرار دهد.<sup>۳۲</sup>

از کودتای ۲۸ مرداد به بعد، همکاری‌های ایران و آمریکا شتاب بیشتری به خود گرفت و از این تاریخ، آمریکایی‌ها نقش محوری در شکل دادن به تشکیلات نظامی و تربیت نظامیان ایران بازی کردند و در سال ۱۳۳۵، سیا (CIA) آموزش ماموران اطلاعاتی ایران را با فرستادن یک سرهنگ ارتش، تحت پوشش وابسته نظامی آغاز کرد.<sup>۳۳</sup> ماموریت او سازماندهی یک واحد

۳۰. سلیمی، ص ۲۵.

۳۱. عباس مخبر، سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ج ۱ (بی‌جا: نشر قیام، ۱۳۷۱)، ص ۱۰۳.

۳۲. تقی نجاری راد، همکاری ساواک و موساد، ج ۱ (بی‌جا: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱)، ص ۵۴.

۳۳. علیرضا ازغندی، روابط خارجی ایران (دولت دست‌نشانده)، ج ۱ (تهران: قومس، ۱۳۴۶)، ص ۲۶۹.

جدید اطلاعاتی بود که در آن زمان تحت نظر تیمور بختیار فرماندار نظامی تهران قرار داشت. همین سازمان بود که چند سال بعد با کمک همه جانبه آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا و موساد، تحت عنوان ساواک ایجاد شد.<sup>۳۴</sup> در آخرین روزهای زمامداری حسین علاء، لایحه تشکیل ساواک به تصویب هر دو مجلس رسید. آغاز به کار سازمان امنیت ابتدا پس از تصویب هیات دولت در دهم مهر ماه ۱۳۳۵ بود. لایحه قانونی که متضمن وظایف و اختیارات سازمان مزبور است نیازمند تصویب و رسمیت قانونی بود. در ۱۹ آبان ۱۳۳۵ خبر دیگری انتشار یافت که مقدمات سازمان امنیت فراهم شد و محل آن در خیابان ایرانشهر در نظر گرفته شد. در واقع ساواک پیش از تصویب لایحه قانونی عملاً فعالیت خود را آغاز کرد. لایحه مزبور که به موجب آن رئیس سازمان مذکور معاون نخست وزیر بود و بودجه آن نیز جزء بودجه نخست وزیری محاسبه می‌شد و در همین سال، دو مجلس آن را تصویب کردند.<sup>۳۵</sup>

در ماده دوم این قانون، وظایف ساواک به این قرار عنوان شده بود:

الف- تحصیل و جمع آوری اطلاعات لازم برای حفظ امنیت کشور.

ب- تعقیب اعمالی که متضمن قسمی از اقسام جاسوسی است و عملیات عناصری که بر ضد استقلال و تمامیت کشور و یا به نفع اجنبی اقدام می‌کنند.

ج- جلوگیری از فعالیت جمعیت‌هایی که تشکیل و اداره کردن آن‌ها غیر قانونی اعلام شده

یا بشود.

د- جلوگیری از توطئه و اسباب چینی بر ضد امنیت کشور.

ه- بازرسی و کشف نسبت به بزه‌های مندرج در دیگر قوانین مصمم در ۱۳۱۴-

۱۳۱۰ و ۱۳۱۷.<sup>۳۶</sup>

در تشکیل ساواک علاوه بر سیا (CIA)، موساد (سازمان اطلاعات و امنیت اسرائیل) نیز از لحاظ آموزش کادرهای اطلاعاتی کمک‌های شایانی به ایران کرد. طی سال‌های پس از تاسیس ساواک، ایالات متحده، ایران، اسرائیل و ترکیه در زمینه امور اطلاعاتی با یکدیگر همکاری نزدیک داشتند. ترکیب سازمانی ساواک شامل ۸ اداره بود که چهار اداره آن در درجه

۳۴. همان، ص ۲۷۰.

۳۵. سازمان مجاهدین خلق، ص ۱۳۰.

۳۶. همان، ص ۱۳۰.

اول اهمیت قرار داشت: اداره دوم: جمع آوری اطلاعات خارجی، اداره سوم: امنیت داخلی، اداره هفتم: بررسی و تحلیل جاسوسی خارجی، اداره پنجم: ضد جاسوسی. شهرت ساواک در داخل کشور به بدنامی ناشی از خشونت و قساوت و عملیات ضد انسانی اداره سوم آن بود.<sup>۳۷</sup> سازمان مزبور حدود ۲۲ سال به فعالیت خود ادامه داد و پس از بختیار ریاست ساواک به نوبت به حسن پاکروان، نعمت الله نصیری و ناصر مقدم رسید.<sup>۳۸</sup>

### اقدامات تیمور بختیار در ساواک

بختیار نخستین رئیس ساواک که به دلیل خوش خدمتی‌هایش ظرف چند سال از درجه سرهنگی به سپهبدی رسید، در شقاوت و بی‌رحمی شهره بود و مورد تنفر مردم، نیروهای اپوزیسیون و آزادی‌خواهان قرار داشت. شاه نیز شخصا از قدرت رو به تزاید او در هراس بود.<sup>۳۹</sup> فردوست در گوشه ای دیگر از *خاطرات* خود یعنی زمانی که بختیار در راس ساواک قرار گرفته بود از بختیار یاد کرده است:

او در ساواک به شدت به دنبال جمع آوری ثروت افتاد و عقده‌های دوران فقر را خالی کرد... صدها نمونه از کارهای او در پرونده ها دیدم. برای یک حاجی بازاری پرونده‌های توده ای درست می‌کرد و او را به زندان می‌انداخت و واسطه معاونش (علوی کیا) بود. علوی کیا به زندانی بخت برگشته مراجعه می‌کرد و با دریافت میلیون‌ها تومان، وی را آزاد می‌کرد... در سال‌های ریاست بر ساواک، ثروت بختیار به میلیاردها تومان می‌رسید و مجموعه طلاآلات و اشیای عتیقه او بی‌نظیر شد... جنایات او در ساواک، کار را به جایی رساند که او را با فرماندهان اس.اس [S.S] آلمان در خلال جنگ جهانی دوم مقایسه می‌کردند.<sup>۴۰</sup> بختیار از بسیاری از شرکت‌ها سهام می‌گرفت، در بسیاری از مقاطع کاری‌ها شریک بود، سرمایه داران نیز برای افزایش در آمد خود، قسمتی از سهام شرکت‌ها را افتخارا به او تسلیم می‌کردند. خلاصه جایی نبود که ساواک در آن رخنه نکرده باشد.<sup>۴۱</sup>

۳۷. نجاتی، ص ۹۴-۹۳.

۳۸. صمدی پور، صص ۱۰۶-۱۰۵.

۳۹. دولت‌مردان عصر پهلوی، صص ۲۷۶-۲۷۵.

۴۰. فردوست، ج ۱، ص ۴۱۸.

۴۱. دولت‌مردان عصر پهلوی، ص ۲۷۶.

قدرت و نفوذ بختیار به جایی رسید که وقتی زاهدی به دستور شاه حاضر به استعفا نشد و تهدید کرد که من با تانک آمده‌ام و با تانک می‌روم، با تهدید بختیار، پس از کمی تأمل در این باب حاضر به استعفا و رفتن به خارج شد.<sup>۴۲</sup>

بختیار از راه‌های مختلف می‌کوشید، افراد توده‌ای را وادار به اعتراف نماید. کسانی که اقرار می‌کردند، بخشیده می‌شدند و اعتراف نامه افراد به همراه عکس آنان در روزنامه چاپ می‌شد تا سبب شود افراد دیگر که شناسایی نشده بودند ترغیب به این کار شوند. او همچنین کتابی تحت عنوان «کتاب سیاه» درباره سازمان افسران حزب توده را منتشر کرد.<sup>۴۳</sup>

بختیار دیگر به ریاست ساواک قانع نبود و مقام‌هایی چون نخست‌وزیری و حتی بالاتر از آن را در سر می‌پروراند. او گاهی خود را با شاه مقایسه می‌کرد و برتری‌های خود را از او بیشتر می‌دانست و احتمالاً عناد و لجajتش بعدها با خاندان پهلوی در این امر موثر بوده است. خطر او بیش از پیش احساس می‌شد و لذا به یک‌باره تمام پست و مقام و قدرت و به همراه آن مال و جلال خود را از دست داد و در کشورهای دیگر سرگردان شد.<sup>۴۴</sup>

در مهر ۱۳۳۹، پس از این که بختیار به درجه سپهبدی ارتقاء یافت، برای اخذ مقام بالاتر به تکاپو افتاد و درصدد برآمد با مقامات دولت آمریکا وارد مذاکره شود تا شاید بتواند با کمک آن‌ها شخص اول ایران شود. این بار او داوطلب نخست‌وزیری نبود بلکه خواستار پادشاهی ایران بود. بختیار در آمریکا با دین راسک<sup>۴۵</sup>، وزیر امور خارجه آلن دالس<sup>۴۶</sup>، وزیر اطلاعات، کرمیت روزولت<sup>۴۷</sup> و جان اف کندی<sup>۴۸</sup> رییس جمهور ملاقات و گفتگو نمود و از آن‌ها برای انجام یک کودتا علیه شاه کمک خواست. آمریکا با چنین نقشه‌ای موافق نبود و آنان خواستار نخست

۴۲. سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ص ۱۵۰.

۴۳. همان، ص ۱۶۳.

۴۴. صمدی پور، صص ۱۰۰-۹۸.

45 . Deen rosk

46 . Alen dales

47 . Krimit roosevelt

48 . Gohn.f.kenedi

وزیری دکتر امینی برای اجرای اصلاحات ارضی و مسائل دیگری بودند و برنامه بختیار را با شاه در میان گذاشتند و شاه تصمیم به برکناری او گرفت.<sup>۴۹</sup>

### همکاری و ارتباط ساواک و موساد

یکی از جنبه‌های مهم همکاری بین ایران و اسرائیل، همکاری‌های امنیتی و اطلاعاتی میان سرویس‌های اطلاعاتی بوده و این دو سرویس به عنوان یکی از مجاری اصلی ارتباط دو کشور محسوب می‌شدند. پس از کودتای ۲۸ مرداد، آنچه حکومت پهلوی به آن نیاز داشت یک تشکیلات جمع آوری اطلاعات و ضدجاسوسی منطقه‌ای و حفظ کننده امنیت داخلی در مقابل تمام خطرات بود. در این رابطه، موساد با تجارب بسیار خود، همکار خوبی برای ساواک به شمار می‌رفت. به علاوه، ایالات متحده آمریکا نیز کشورهای منطقه را تشویق می‌کرد که در امور امنیتی با یکدیگر خصوصاً با اسرائیل همکاری کنند.<sup>۵۰</sup>

در اکتبر ۱۹۵۷، بختیار به پاریس رفت و خواستار ملاقات با یعقوب تسور سفیر اسرائیل در فرانسه شد. دیدار بعدی در نوامبر ۱۹۵۷ میان بختیار و اسپر هارل یکی دیگر از مقامات موساد در شهر رم صورت گرفت. در این ملاقات، طرفین تصمیم به همکاری در امور امنیتی گرفتند و هارل یکی از همکاران خود به نام یعقوب کاروزرا به بختیار معرفی کرد و زمینه برای دیدارهای آتی فراهم گردید. از آن پس، تمامی ارتباطات میان ساواک و موساد از راه این شخص صورت می‌گرفت. مراودات مزبور به افتتاح یک وابسته بازرگانی در تهران انجامید که سال‌ها به تمامی فعالیت‌های اسرائیل در ایران در یک پوشش، رسمیت بخشید.<sup>۵۱</sup>

### پایان کار تیمور بختیار

در جریان انتخابات مجلس بیستم در سال ۱۳۴۰ که با شرکت دو حزب مردم و ملیون صورت گرفته بود، تقلب گسترده‌ای صورت گرفت که این امر با مخالفت شدید جبهه ملی روبه رو گردید. در دی ماه همین سال، بختیار، دانشجویان دانشگاه تهران را که از مخالفت جبهه ملی

۴۹. دولتمردان عصر پهلوی، ص ۲۹۲.

۵۰. نجاری راد، ص ۶۰-۶۱.

۵۱. همان، ص ۶۷.

با دولت الهام گرفته بودند را با خشونت سرکوب کرد. علی امینی که نخست وزیر وقت بود، هرگونه اطلاع پیشین خود را از احتمال توسل به چنین خشونت، رد کرد و مسولیت این امر را متوجه شاه و بختیار کرد.<sup>۵۲</sup> شاه که از افزایش قدرت و نفوذ بسیار بختیار در ساختار قدرت، دچار تشویش خاطر شده بود وی را مسئول این امر قلمداد کرد و نامبرده را از مسولیت ساواک برکنار نمود. سپس شاه در اقدامی مشابه، ارتشبد عبدالله هدایت، رئیس ستاد کل ارتش و سرلشکر حاجلی کیا رئیس رکن دوم را نیز برکنار نمود. لازم به ذکر است که هر دوی آن‌ها، همزمان با بختیار به مشاغل کلیدی منصوب شده بودند. از طرف دیگر افزایش منظم ثروت شخصی بختیار به موازات طول خدمتش در ساواک، به شاه اجازه داد که بر اتهام بی کفایتی او، اتهام رشوه خواری را نیز بیفزاید.<sup>۵۳</sup> بالاخره شاه با کنار گذاشتن بختیار، با یک تیر، دو نشان را هدف گرفته بود: از یک سو، آبی به آتش تظاهرکنندگان می‌ریخت و از سوی دیگر، به زمامداران دمکرات آمریکایی علامت می‌داد که عزل مرد آهنین را نشان‌های از فضای باز سیاسی تعبیر کنند.<sup>۵۴</sup>

بختیار که سودای قدرت سیاسی را در سر می‌پروراند، شروع به ایجاد اختلال در کار رژیم کرد. نامبرده با افسران ارشد دیگری که همزمان با عزل وی، استعفا نموده بودند، ارتباط برقرار کرد و گروه فشاری را ایجاد و سعی کرد آشکارا از خودش در برابر اتهامات بی کفایتی و فساد مالی دفاع کند. در اردیبهشت سال ۱۳۴۰، تظاهرات معلمان تهرانی برای تقاضای اضافه حقوق به خشونت کشیده شد و در جریان آن یکی از دبیران تهران به نام دکتر خانعلی با شلیک گلوله‌های نیروهای نظامی کشته شد. در پی آن، تظاهراتی نیز در بازار و در دانشگاه تهران صورت گرفت. در پس این همه اعتراضات این ماه، بختیار دیده می‌شد. او حتی برای کسب قدرت از کف رفته‌اش تلاش کرد تا با جبهه ملی که خودش در تار و مار کردن آن نقش عمده‌ای داشت تماس بگیرد و در اواخر سال ۱۳۴۰ موفق شد با یکی از رهبران سابق آن به نام مظفر بقایی دیدار کند.<sup>۵۵</sup> از دیگر اقداماتش در این چارچوب می‌توان به دادن پول به مجلات درجه دو چاپ عکس او بر روی این مجلات و با نوشته‌هایی مانند نخست وزیر آینده

۵۲. مخبر، ص ۱۲۶.

۵۳. سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ص ۴۳.

۵۴. طلوعی، ص ۹۸۳.

۵۵. سازمان مجاهدین خلق، ص ۲۳۱.

و... اشاره کرد. اشرف نیز به برادرش اصرار می‌ورزید که بختیار را به نخست‌وزیری برگزیند. خود بختیار نیز با برقراری ارتباط با گروه‌های مذهبی و شرکت در مراسم‌های آن‌ها تلاش می‌کرد تا نظر مردم را نسبت به خود مساعد کند. شاه با دادن وعده‌هایی از او خواست که کشور را ترک کند. پس از مدتی نه تنها او را بازنشسته کردند. ویزای سیاسی او نیز به ویزای عادی تبدیل شد.<sup>۵۶</sup>

به این طریق زمینه طغیان علیه حکومت، توسط بختیار فراهم گشت. وی به لبنان مسافرت کرد و در آن کشور به اتهام قاچاق اسلحه بازداشت و زندانی شد. دولت ایران از دولت لبنان درخواست کرد که نامبرده را به دلیل داشتن شاکی خصوصی به ایران تحویل دهد، اما به خاطر دوستانی که بختیار از دوران تحصیل در آنجا داشت و پذیرفتن تابعیت عراق به دولت عراق تحویل داده شد.<sup>۵۷</sup>

در عراق از بختیار استقبال باشکوهی به عمل آمد. وی با کمک صدام به مخالفت با محمدرضاشاه پرداخت و با چاپ اعلامیه علیه دولت ایران و انتشار آن از طریق رادیو عراق، سعی در جذب مردم و مخالفان رژیم پهلوی داشت. او با علمای دینی نیز تماس گرفت اما نتیجه‌ی مثبتی به دست نیاورد. سرانجام هنگامی که از مرز عراق و ایران بازدید می‌کرد، توسط دو تن از محافظانش کشته شد. برخی این اقدام را به ساواک نسبت داده‌اند. بدین طریق یکی از خطرناک‌ترین دشمنان پهلوی از سر راه برداشته شد.<sup>۵۸</sup>

## نتیجه‌گیری

با تامل در زندگی و اعمال تیمور بختیار، ضمن اذعان به برخی از ویژگی‌های لازم برای کسب قدرت مانند: شجاعت، جسارت و پشت‌کار بسیار زیاد وی و تحصیلات نامبرده در زمینه نظامی، شاهد رسوخ و نفوذ وی در بدنه حکومت پهلوی هستیم. وی از دست زدن به هیچ اقدامی برای توسعه نفوذ و افزایش قدرت خود فرو گذاری نکرد و در چارچوب روابط و تعاملات خاص در کسوت ریاست فرمانداری نظامی و ساواک در جهت خاموش کردن اعتراضات و به سرکوب

۵۶. همان، ص ۲۳۲.

۵۷. سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۲۲.

۵۸. نجاری راد، ص ۷۱.



مخالفان، علیه خاندان پهلوی اقدام کرد. با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و اندیشه‌های بلند پروازانه و اندیشیدن به کسب مقامات بالاتر و افزایش قدرت وی و بسط نفوذش، سبب نگرانی و دلمشغولی محمد رضا شاه نسبت به ادامه حکومتش گردید؛ لذا وی را در سال ۱۳۳۹ از مسند قدرت عزل کرده و او را به حاشیه راند و با توجه به این که بختیار مصدر برخی از اختلالات و مخالفت‌ها در سال ۱۳۴۰ قرار گرفت، وی مجبور به ترک کشور شد و ادامه مخالفت‌های خود را در خارج از کشور پی گرفت و سرانجام به دست همان سازمانی که خودش در ایجاد و تاسیس آن نقش کلیدی داشت به قتل رسید.

### کتابنامه

- ازغندی، علیرضا. روابط خارجی ایران (دولت دست نشانده). چ ۴. تهران: نشر قومس، ۱۳۷۶.
- بختیاری، شهلا. مفاسد خاندان پهلوی. چ ۱. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
- دلانو، کریستین. ساواک. چ ۱. ترجمه عبدالحسین نیک گوهر. تهران: هما، ۱۳۷۱.
- دولتمردان عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک. چ ۱. چ ۱. تهران: مرکز اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۵.
- سازمان مجاهدین خلق. ج ۱. چ ۱. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴.
- سپهبد تیمور بختیار به روایت اسناد ساواک. چ ۱. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۷۰.
- سلیمی، حشمت‌الله. شکنجه به روایت شکنجه‌گران ساواک. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
- صمدی پور، سعید. شکنجه در رژیم شاه. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
- طلوعی، محمود. بازیگران عصر پهلوی. چ ۲. تهران: نشر علمی، ۱۳۷۳.
- فرازهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و آمریکا. تهران: روابط عمومی وزارت اطلاعات، ۱۳۶۸.
- فردوست، حسین. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی. ج ۱ و ۲. چ ۴. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۱.
- مجتبی زاده، عبدالکاسم. فساد در رژیم پهلوی دوم. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.
- مخبر، عباس. سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت کمبریج. چ ۱. تهران: البرز، ۱۳۷۵.
- معتضد، خسرو. سپهبد تیمور بختیار، سایه سنگین شاه. چ ۲. تهران: نشر علمی، ۱۳۸۰.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا. انقلاب ایران به روایت رادیو بی بی سی. چ ۱. تهران: البرز، ۱۳۷۵.
- \_\_\_\_\_ . سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی. چ ۳. تهران: البرز، ۱۳۷۵.
- نجاتی، غلامرضا. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران. تهران: رسا، ۱۳۷۱.



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی